مرور

نمایشگاه نوزدهم و حواشی آن

رادیو فرهنگ و نمایشگاه کتاب

شیما بهره‌مند

همزمان با برپایی نمایشگاه کتاب رادیو فرهنگ برنامه‌ای زنده با نام «هفت اقلیم» ویژه نمایشگاه کتاب تهیه کرده که هر روز از این شبکه رادیویی از ساعت ۱۲ تا ۲۰ پخش می‌شود. این برنامه هر روز به یکی از شاخه‌های هنری اختصاص دارد و مهمان ویژه‌ای درباره آن حرف خواهد زد. «هفت اقلیم» به نمایشگاه کتاب نیز می‌رود و به طور زنده در محل نمایشگاه پخش می‌شود. هفت اقلیم در روزهای برپایی نمایشگاه به اطلاع‌رسانی دقیق نمایشگاه و آسیب‌شناسی نمایشگاه‌های کتاب می‌پردازد.

■ بنیاد فارابی و کتاب‌هایش در نمایشگاه

انتشارات بنیاد سینمایی فارابی با ۵۸ عنوان کتاب جدید به نمایشگاه می‌آید. این آثار در بخش‌های تخصصی و فنی سینما، ادبیات و سینما، سینمای کودکان و نوجوانان و سینمای معناگرا منتشر شده‌اند.

«سینمای اشراقی»، «موسیقی فیلم»، «راهنمای فیلمبران»، «رویای بهشت»، «معنویت در فیلم سینمای نوین» و «اقتباس ادبی برای سینمای کودک» از جدیدترین کتاب‌هایی است که بنیاد سینمایی فارابی به نمایشگاه می‌آورد. این آثار برای دانشجویان با ۳۰ درصد تخفیف و برای عموم با ۲۰ درصد تخفیف به فروش می‌رسد. غرفه بنیاد سینمایی فارابی در سالن‌های ۸ و ۹، شماره ۱۳۲ نمایشگاه بین‌المللی تهران واقع است.

■ برنامه‌های انتشارات علمی و فرهنگی در نمایشگاه

نشست خبری شرکت انتشارات علمی و فرهنگی با محور تشریح برنامه‌های این موسسه در نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران روز سه‌شنبه برگزار شد. انتشارات علمی و فرهنگی امسال با ۷۰۰ عنوان کتاب بزرگسال و ۲۰۰ عنوان کتاب کودک و نوجوان پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود. به گفته ابراهیم رستمیان، مدیر این نشر، بخش کودک و نوجوان در چارچوب سیاست‌های شرکت برای حفظ میراث گذشته خود و پرکردن خلاء فعلی بازار کتاب در سال ۸۲ تاسیس شد و امسال پس از اجرای سه دوره مسابقات قصه‌نویسی و یک دوره مسابقه تصویرگری برای کودکان که تاکنون بی‌سابقه بوده است، حضوری بهتر از پیش در این نمایشگاه خواهد داشت. مدیر این نشر همچنین از بازدیدکنندگان بازار جهانی کتاب دعوت کرد که با بخشی از تولیدات شرکت برای کپی‌رایت در غرفه شماره ۴۰ آشنا شوند.

رستمیان گفت که از مجموعه یادشده تعداد ۱۸۰ عنوان کتاب پس از نمایشگاه هجدهم به چاپ رسیده‌اند. این انتشارات همچنین امسال در غرفه‌های خود مهمانان ویژه‌ای دارد. بهاءالدین خرمشاهی، کامران فانی، غلامحسین صدری‌افشار، نجف دریابندری و قیصر امین‌پور در بخش بزرگسال و مصطفی رحماندوست، پرویز کلانتری، رضی هیرمندی، محمدرضا یوسفی و فریدون عموزاده خلیلی از جمله این مهمانان هستند. ابراهیم رستمیان همچنین به لزوم معرفی هر چه بیشتر محصولات و خدمات این شرکت با کمک اهالی مطبوعات و به خصوص دست‌اندرکاران کتاب و ساختن فضایی برای مبادله آرا و افکار صاحب‌نظران و افکار عمومی با مدیران مجموعه اشاره کرد و گفت: «سابقه و نقشی که شرکت انتشارات علمی و فرهنگی فعلی در تولید و نشر کتاب در این مرز و بوم داشته و دارد، وظیفه تلاش برای شناساندن هر چه بیشتر پیشینه و حیات فعلی این مجموعه را بر عهده همه دست‌اندرکاران آن قرار داده است. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی که در سال ۷۳ با ادغام انتشارات علمی و فرهنگی در سازمان آموزش و انتشارات انقلاب اسلامی تاسیس شد، در واقع نواده دو تن از بزرگ‌ترین ناشران مبتکر ایرانی، یعنی موسسه فرانکلین و بنگاه ترجمه و نشر کتاب است. این دو ناشر که هر یک با فاصله اندکی از یکدیگر طی سال‌های ۳۰ تا ۳۳ راه‌اندازی شدند، جایگاه ویژه‌ای در پایه‌گذاری بخش‌هایی از مهم‌ترین تحولات صنعت نشر دارند. سرمایه‌گذاری هنگفت روی ویرایش فنی و علمی و ادبی محتوای کتاب‌ها و بالا بردن کیفیت چاپ و توجه به جزییات ظاهری آنها و در نهایت جریان‌سازی مستمر در بازار کتاب از جمله موفقیت‌هایی هستند که توسط این مجموعه‌ها نصیب صنعت نشر ایران شد. غرفه بزرگسالان این انتشارات در سالن E۲۵ و غرفه کودک و نوجوان در سالن ۳۸ غرفه کودک واقع است. علاقه‌مندان حضور در نشست‌های این موسسه و دیدار مهمانان این غرفه می‌توانند با مراجعه به سایت این موسسه: www.elmifarhangi.com از ساعت و روز حضور مهمانان باخبر شوند.

■ شهر کتاب در شهری از کتاب

شهر کتاب با ده هزار عنوان کتاب خارجی در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف در نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران می‌آید. این کتاب‌ها بیشتر در رشته‌های علوم انسانی، ادبیات و هنر است. شهر کتاب همزمان با نمایشگاه کتاب، آثار خود را با تخفیف ویژه نمایشگاه در شهر کتاب مرکزی نیز به فروش می‌گذارد. این ناشر همچنین حدود دو هزار عنوان کتاب در حوزه کودک و نوجوان عرضه خواهد کرد که آثار آموزشی خارجی تازه چاپ بیشتر آنها را تشکیل می‌دهد. شهر کتاب همچنین در نمایشگاه امسال دو بخش موسیقی و محصولات قرآنی را نیز در نظر گرفته که در بخش قرآنی، آثاری از ایران و سایر کشورهای جهان، کتاب‌ها و وسایل کمک آموزشی برای فهم و آموزش قرآن و... را به نمایش می‌گذارد. برای اطلاع از عنوان و مشخصات این آثار می‌توانید به پایگاه اینترنتی www.bookcityonline.com مراجعه کنید.

پلکانی برای سه نسل

داستان یک پلکان
آنتونیو بوئرو بایخو
ترجمه: پژمان رضایی
نشر نی
چاپ اول ـ ۱۳۸۴
تعداد: ۲۲۰۰ نسخه
قیمت: ۱۲۰۰ تومان

جیران مقدم: داستان یک پلکان دقیقاً محتوایش را در نامش خلاصه کرده است. این داستان یک پلکان است، در یک آپارتمان که با گذر سال‌ها کهنه می‌شود. با آدم‌هایی که می‌آیند و می‌روند و با کنش‌هایی که بین آدم‌ها شکل می‌گیرد. زمان می‌گذرد، ساختمان قدیمی تعمیر شده و رنگ می‌خورد، اما انگار فقط رنگ‌های ظاهر هستند که عوض می‌شوند، چارچوب ساختمان همیشه همان چارچوب قدیمی است. زمانه تغییر می‌کند، چهره‌ها هم، اما درون آدم‌ها نیز واقعاً عوض می‌شود؟ این سئوالی است که آنتونیو بوئرو بایخو، درام‌نویس اسپانیایی، خواننده را درگیر آن می‌کند، بی‌آنکه به آن جوابی بدهد. آدم‌ها از در آپارتمان‌هایشان، که ما درونشان را نمی‌بینیم، بیرون می‌آیند. ما فقط به عنوان ناظر بیرونی با نمای پلکان مواجهیم. پاگرد، استعاره‌ای از عرصه اجتماعی برخوردها است؛ به خصوص که مکانی است که در آن برخوردها به صورت تصادفی، گذرا و سطحی رخ می‌دهند. ما درون یک آپارتمان قرار نداریم، درون آدم‌ها هم، از آنچه درون آنها می‌گذرد نیز خبر نداریم؛ از تغییرات درونی‌شان، دغدغه‌هایشان هم. وجهه اجتماعی آدم‌ها را هم نمی‌بینیم، چون در محل کارشان نیستیم، حتی دقیق نمی‌دانیم که چه کار می‌کنند. بسیار گذرا، از تک جمله‌هایی، تا حدودی پی به این می‌بریم. ما، مثل یک همسایه، عبور آدم‌ها و مکالماتشان را می‌بینیم و می‌شنویم. اینجا آدم‌ها می‌توانند چیز دیگری باشند؛ چیزی متفاوت با آنچه قبل از ورود به پلکان بوده‌اند و متفاوت با آنچه پس از ورود به حریم خصوصی آپارتمان خویش خواهند شد. نویسنده، از این زاویه دید، سه نسل را، با شادی‌ها، غم‌ها، عشق و مرگ و ناکامی پی می‌گیرد. صحنه تغییری نمی‌کند، اما فاصله‌های چندین ساله با تغییرات ظاهر هنرپیشه‌ها نمایانده می‌شود؛ میان این سه نسل که نسل‌های تغییرات مهم هستند: تغییرات دهه ۴۰، دوران جنگ و آرمانگرایی و عقاید جدید. نسل اول سنتی‌ترند، آرمانی ندارند و به بدبختی خویش خو کرده‌اند، اما حداقل عاشقند یا شاید هنوز زمانه‌ای است که در آن عشق معنی دارد؛ چرا که در این دوران، نسل دوم که بسیار جوانند نیز عاشق می‌شوند. نسل دوم با امید و آرمان شروع می‌کند، اوربانو، کارگر جوان طرفدار سندیکا، در پی احقاق حق همه جهان است و فرناندو، خیال‌پرداز، خوش‌تیپ و بچه‌صفت، استعاره‌ای از نیمچه روشنفکرانی است که خود را در مرکز جهان می‌بیند. این دو، در مکالمه‌های کوتاهشان، تلاقی و تقابل مطلق دو نوع نگاه متفاوت به جهان را در آن دوران بازمی‌تابانند. در کنار آنها، چهار زن جوان آن سال‌ها، که بیشتر در حاشیه‌اند تا اصل و بیشتر پیوند آنها در ارتباط با مردان است که معنا می‌یابد تا اصل وجودی خودشان، نماینده دختران جوان طبقه متوسط پایین هستند، با عشق‌هایشان، سرزندگی‌شان و امیدشان به آینده. نمایشنامه داستان یک پلکان در واقع نه سرنوشت آدم‌ها که بیشتر سرنوشت عشق و آرمان را نشان می‌دهد. تابلوی دوم، ده سال بعد همین آدم‌ها و همین آرزوها است؛ فرناندو سرخورده از ازدواجی بی‌عشق به خاطر پول که البته پولی هم برایش نداشته است، اوربانو که با عشق فرناندو ازدواج می‌کند،

ازدواجی که به خاطر عشق یک‌طرفه او به همسرش هرگز معنایی نمی‌یابد و دو زن دیگر، یکی در ازدواجی ناکام دست و پا می‌زند و دیگری، کم‌کم، سرنوشتش را به عنوان قربانی خانواده می‌پذیرد. این آدم‌ها هنوز در آپارتمان‌هایی کنار هم زندگی می‌کنند، اما زندگی دیگر لطف و معنای سابق را ندارد. انگار آدم‌ها هر سال از هم دور و دورتر شده‌اند. ۲۰ سال بعد، سومین تابلو شکل می‌گیرد. حالا جز نفرت میان آدم‌ها هیچ نمانده است. هیچ آرمانی متحقق نشده است. همه آدم‌ها شکست خورده‌اند و پسر فرناندو، عاشق دختر کارمینا، عشق جوانی فرناندو است. از تمام سال‌ها، از تمام احساس‌ها، هیچ نمانده است و حالا، این عشق کاملاً ممنوع، محور صحنه سوم می‌شود؛ صحنه عبور جوان‌های روزهای قدیم که اکنون سالخوردگانی شکست خورده‌اند.

پسر فرناندو، با همان جمله‌هایی که سال‌ها پیش، سی سال پیش، پدرش به کارمینا اظهار عشق کرده بود به دختر کارمینا اظهار عشق می‌کند و فرناندو و کارمینا ناظر صحنه‌ای هستند که روزی خود بازیگران آن بوده‌اند، انگار که با حضورشان به بیننده یادآور می‌شوند که عشق تنها تکرار حرف‌های کهنه‌ای است که سرانجامی ندارد. بوئرو بایخو در تصویر این فضا بسیار موفق است. فضا آنقدر ملموس است که پس از خواندن اثر، خواننده احساس می‌کند در هر کدام از این ساختمان‌ها این داستان می‌تواند رخ داده باشد، هر کدام از این ساختمان‌ها... حتی شاید در راه‌پله‌های آپارتمان خودمان.

آرای یک غول تنها

موریس بلانشو
اولریش هاسه-ویلیام لارج
ترجمه: رضا نوحی
نشر مرکز
چاپ اول-۱۳۸۴
تعداد: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۸۵۰ تومان

مهدی یزدانی خرم: کتاب‌های «اندیشه‌گران انتقادی» مجموعه آثاری هستند که انتشارات معتبر راتلج در معرفی و بررسی آرای برخی از مهمترین چهره‌های انتقادی قرن بیستم منتشر کرده است. این آثار به‌تازگی توسط نشر مرکز در حال ترجمه و انتشار هستند و چند جلد از این مجموعه هم به بازار آمده است. یکی از کتاب‌های این مجموعه «موریس بلانشو» نام دارد که نویسندگان آن یعنی «اولریش هاسه» و «ویلیام لارج» به معرفی و گزارشی از آرا و اندیشه‌های این متفکر مشهور فرانسوی پرداخته‌اند. این کتاب را رضا نوحی ترجمه کرده است... در باب موریس بلانشو همین بس که منهای جنبه نویسندگی‌اش بسیاری او را یکی از تاثیرگذارترین نظریه‌پردازان ادبی نیمه دوم قرن بیستم می‌دانند. در این کتاب سرفصل‌های کلی اندیشه بلانشو طرح شده و در هر فصل با زبانی ساده و روایی شاهد گزارش انگاره‌های بنیادینی هستیم که کلیت آرای بلانشو در باب ادبیات و جنبه‌هایی پیوسته با آن را به تصویر کشیده است. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این نویسنده و منتقد در تقابلی است که او نسبت به ذات ادبیات با کلان روایت‌هایی مانند اخلاق و سیاست مطرح می‌کند. بنابراین بلانشو از جمله منتقدانی است که با تئوری مشهور، فرمالیست‌ها، یعنی معیار قرار دادن متن به عنوان تنها مرجع قابل توجه در نقد مخالف‌اند. او که به شدت تحت تاثیر برخی آموزه‌های هگلی در حوزه زیبایی‌شناسی بوده مبنای اصلی اندیشه انتقادی خود را براساس تاویل‌ناپذیری متن می‌گذارد. در کتاب «موریس بلانشو» این جنبه مهم در تفکر او با ارائه مثال‌هایی چند در باب مسائلی بنیادین مانند تعریف ادبیات، هستی نویسنده و مفاهیمی قابل تشکیک مانند ژانر، سبک و مکتب به بحث گذاشته می‌شود. نکته اصلی کتاب «موریس بلانشو» ترجمه نویسندگان آن به چندین جنبه از تفکر او است که البته با محوریت ادبیات و نظریه ادبی همراه است. بلانشو نظریه‌پردازی است که در اوج دوران تسلط سارتر و مفاهیم تعهد در ادبیات به نقد آرای او پرداخت که در این راه حتی مناظره‌ای هم با او داشت. این نویسنده و منتقد که نوع زندگی‌اش شباهت‌هایی با سالینجر دارد، کمتر در محافل ظاهر شده و جالب است که بدانید هیچ عکسی از او در دست نیست. (به نقل از مقدمه کتاب) در هر حال رئوس اندیشه بلانشو به مفاهیمی بازمی‌گردد که به خصوص با ظهور نسل ساختارگرایان، ادبیات و نظریه ادبی- فلسفی را به خود معطوف کرد. بنابراین او در بیان نظرات خود (که از میان انبوه مقالاتش در روزنامه‌ها، مجله‌ها و کتاب‌هایی مانند فضای ادبیات، گفت‌وگوی بی‌پایان، نوشتار فاجعه و... به‌دست آمده است) اغلب مفاهیم مندرج در تفکر ساختارگرا و در عین حال متعهد را معیار قرار داد و «ضد نظریه‌های» خود را بیان می‌کند. بلانشو فرانسوی را باید از نمونه منتقدان و نظریه‌پردازانی دانست که اساس کار خود را بر اصولی می‌گذارند که همگان آنها را پذیرفته‌اند. اصولی مانند نویسنده، خواننده، متن، اخلاق، ملیت و... او به آرامی با طرح سئوال‌های فراوان سلامت و امنیت کلاسیک شده این اصول را به مخاطره انداخته و سپس به جزئیات نزدیک می‌شود. در کتاب بلانشو این روند به خوبی نمایش داده شده است و شما می‌توانید با آرای منتقدی روبه‌رو شوید که با معیار قرار دادن هستی ادبیات روابط متعارف و غیرمتعارف وجوه دیگر فرهنگ را با آن بررسی می‌کند. نظریه‌های او در باب ادبیات، سیاست، اخلاق و... بسیار نو و کاربردی است و علاوه بر اینکه مخاطب را با تئوریسینی صاحب نگاه معرفی می‌کند، آموزه‌های او را هم در اختیار منتقدانی قرار می‌دهد که به خصوص به جریان‌های نقد ساختارگرا علاقه‌مند هستند. موریس بلانشو در طول عمر طولانی‌اش دوره‌های مختلف ادبی- انتقادی را از سر گذراند و ما را با فردی روبه‌رو کرد که نوع دیگری از نقد و نظریه را در سر می‌پروراند. این منتقد نویسنده تنها، آنچنان در ایران معرفی نشده است و این کتاب می‌تواند مخاطب را با کلیتی از آرای او آشنا سازد. منتقدی که از نظر اعتبار و اهمیت کم از هموطن شناخته‌شده‌ترش یعنی رولان بارت ندارد... این کتاب با قیمت ۲۸۵۰ تومان منتشر شده است.

در کتاب بلانشو، موخره مفیدی در معرفی برخی آثار منتشر شده در باب او قرار داده شده که برای علاقه‌مندان به تفکر او جالب توجه خواهد بود.

پیر می‌شویم...

بانوی آبی پوش
نوئل شاتله
ترجمه: نازک افشار
ناشر: نشر شهاب و انتشارات چاو
چاپ اول: ۱۳۸۴
تعداد: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۰۰۰ تومان

محسن آزرم: شاید برای شما هم پیش آمده باشد که یک روز از خواب بیدار شوید و همین که روبه‌روی آینه می‌ایستید، با دیدن تار مویی سفید، ذهن‌تان به هم بریزد و خیال کنید که این شروع یک ویرانی است، ابتدای نابودی، ذره‌ذره پیر شدن. آنچه در ماجرای آینه اهمیت دارد، سفیدی مو نیست، حس و حالی است که آدم دچارش می‌شود و فرار از آن آسان نیست. حس و حال خواننده داستان «بانوی آبی پوش» هم چیزی است شبیه همان ماجرا. به تصویر روی جلد، که تکه‌ای است از یک تابلوی «ورمیر»، اهمیتی ندهید. داستان، هیچ ربطی به آن تابلو، و دخترکی که مدل ورمیر شد، ندارد. این داستان دختری در آستانه جوانی نیست، داستان زنی است که از مرز پنجاه‌سالگی گذشته، بی‌آن‌که پیری (میان‌سالی؟) را حس کرده باشد و ناگهان، با دیدن منظره‌ای، آنقدر تحت تاثیر قرار می‌گیرد که سن و سال، می‌شود مهم‌ترین دغدغه‌اش، می‌شود همه آن چیزی که باید درباره‌اش فکر کند.

آدمی را تصور کنید که فارغ از همه‌چیز زندگی می‌کند؛ انگار که چیزی شبیه لیوان، روی زندگی‌اش گذاشته تا از همه‌چیز در امان باشد. با این همه، روزی روزگاری، ضربه‌ای به این لیوان می‌خورد. لیوان نمی‌شکند، اما صدای این برخورد، آنقدر مهیب و کش‌دار است که تا مدت‌ها در گوشش می‌پیچد. تحت تاثیر این صدای مهیب است که شکل زندگی‌اش را عوض می‌کند. «سولانژ»، شخصیت اصلی داستان بانوی آبی پوش، چنین آدمی است و آن ضربه‌ای که به لیوانش می‌خورد، دیدن بانوی سالخورده آبی‌پوشی است که «به‌آرامی راه می‌رود، با وقاری خاص» و «نسبت به همهمه‌هایی که او را احاطه کرده‌اند» بی‌اعتنا است. آنچه سولانژ، در این بانوی پیر می‌بیند و به چشم دیگران نمی‌آید، همین است: قرار نیست همیشه به چشم دیگران بیایی. برای بقیه آنهایی که در خیابان هستند، بانوی پیر، فقط بانویی پیر است، همین. اما برای سولانژ، او صورت شکل‌یافته یک پیش‌گویی تاریخی است، این که او هم «پیر» می‌شود و فرار از دست پیری، کاری عاقلانه نیست. از این‌جا به بعد است که تصویر واقعی سولانژ را می‌بینیم، آدمی که وقتی پرده از صورت دیگران برمی‌دارد، جنبه‌های ناشناخته شخصیت خودش را برای ما عیان می‌کند. تغییرات ظاهری سولانژ، نقطه شروع یک «بازی» هولناک است، دویدن برای رسیدن به آخر خط. پیری، برای خیلی‌ها، آخر خط است، اما سولانژ با فهم معنای پیری، بخشی دیگر از زندگی‌اش را کشف می‌کند. بخشی که سال‌های سال، آن را از خودش دریغ کرده است: می‌فهمد که نیاز به هم‌صحبت شدن با دیگران، همیشه یک نیاز واقعی نیست. در واقع، راهی است برای فرار از خود. پس، می‌زند زیر همه‌چیز و پل‌های پشت سرش را یکی‌یکی خراب می‌کند. یاد می‌گیرد که در وهله اول، با خودش حرف بزند. هیچ کسی به‌اندازه خودش، با خودش آشنا نیست. با این همه، وهله بعد، سخت‌تر و مهیب‌تر است. سولانژ می‌فهمد که حتی نیازی به حرف‌زدن با خودش ندارد. چیزی به‌نام «سکوت» وجود دارد که بسیار کاربردی‌تر است. وقتی کسی سکوت می‌کند، لابد دلش نمی‌خواهد زبان بگشاید و چیزی بگوید. سکوت آدم، دلیلی است بر این که او، در آن لحظه به‌خصوص، صاحب «حریمی خصوصی» است. این حریم، تابلو ندارد، در ندارد، اما سکوت او، نشانه این تابلو است، نشانه دری که نباید آن را کوبید، چه رسد که بی‌اجازه واردش شد.

تا پیش از دیدن آن بانوی آبی‌پوش سالخورده، سولانژ، زنی است مثل همه زن‌های دیگر. با دخترش، «دلفین»، که حالا دختری است جوان و خوش سیما، بی‌پروا حرف می‌زند و سعی می‌کند تجربه‌های زندگی درهم‌شکسته‌اش را (سولانژ از همسرش جدا شده) در اختیار او بگذارد، تا دختر، به همان راهی نرود که او رفته است. اما بانوی آبی‌پوش، همه‌چیز را به هم می‌ریزد. سولانژ بعد از این حس می‌کند که بیش‌تر شبیه مادرش است، کت و دامنی خاکستری می‌پوشد و به‌قول دخترش، شبیه «مادربزرگ» می‌شود. خودش هم در جست‌وجوی کلمه‌ای شبیه این است، چیزی «بزرگ‌تر» از مادر. میل وصف‌ناپذیر سولانژ به تنهایی، او را به راهی می‌کشاند که می‌شود همنشین زن‌هایی «بزرگ‌تر» از مادر. آنهایی که زندگی‌شان را در جایی شبیه یک خانه سالمندان می‌گذرانند، یا در کنار پیرمردی که سخن نمی‌گوید، فقط اشاره می‌کند و همین اشاره‌ها، دلیل راه سولانژ می‌شوند.

بانوی آبی‌پوش، داستان امیدبخشی نیست، شاید احوال خواننده‌اش را به هم بریزد و پریشانش کند. اما، از آن‌دست داستان‌هایی است که به آنها نیاز داریم، داستانی که می‌تواند خبری از آینده بدهد، آینده‌ای که چندان هم دور نیست. روزی که از خواب بیدار می‌شویم و پیش از هر چیز در آینه به جست‌وجوی تارهای سفید دیگر می‌گردیم. به‌جست‌وجوی راهی برای فرار. آینده، دور نیست. یک‌روز پیر می‌شویم...

آن نیروهای شگرف غیرشخصی

چکامه‌ای برای سالوادور دالی
فدریکو گارسیا لورکا
ترجمه: سیاوش روشندل
نشر هادیان
چاپ اول- ۱۳۸۴

حسین یاغچی: پرنس میشکین، قهرمان «ابله» در وقایعی که در طول رمان از سر می‌گذراند به احساسی تجسم می‌بخشد که شاید بتوان در موجزترین صورت به آن عنوان «باور نداشتن خوشبختی» داد و این خود شاید مهمترین آرمان اخلاقی نویسنده آن، فئودور داستایوفسکی باشد. به بیانی دیگر، داستایوفسکی در «ابله» آرمانی اخلاقی را صورت‌بندی و به قهرمان داستان خود منتسب می‌کند که جان‌مایه‌های آن را می‌توان در عرفان روسی و در ابعادی وسیع‌تر در عرفان شرقی جست‌وجو کرد.

آرمانی اخلاقی که دنیا را «دارمکافات» می‌بیند و خسته است از امیال و هوس‌های مادی و دنیوی که تقدیر شوم انسان را شوم‌تر می‌کنند و «اجبار به زندگی کردن» پدید می‌آورند. بر همین اساس، انسان‌های معتقد به این آرمان از هر چه که نماد زندگی زمینی باشد دوری می‌کنند و زندان ذهنی خود را به فضای عینی اطراف هم گسترش می‌دهند و کم‌کم امید پرکشیدن از این فضای برزخی را در سر می‌پرورانند. پرنس میشکین، نماد تمام‌عیار چنین شخصیتی به شمار می‌رود. داستایوفسکی، ساختار داستان خود را براساس موقعیت عشق دوزن به یک مرد چیده است و البته این موقعیت، احساسی از شادکامی را در پی ندارد بلکه چونان موقعیتی عذاب‌آور و کشنده در نزد شخصیت‌های اصلی داستان، جلوه‌گر می‌شود. احساسی که قرار نبوده پدید آید و چون پدید آمده باید با عذاب کشیدن و عذاب دادن، رفع شود تا در نهایت احساس آرمانی بی‌میلی و سترون بودن اخلاقی بار دیگر پدید آید و روزهای زندگی، بی‌دردسر پایان یابد.

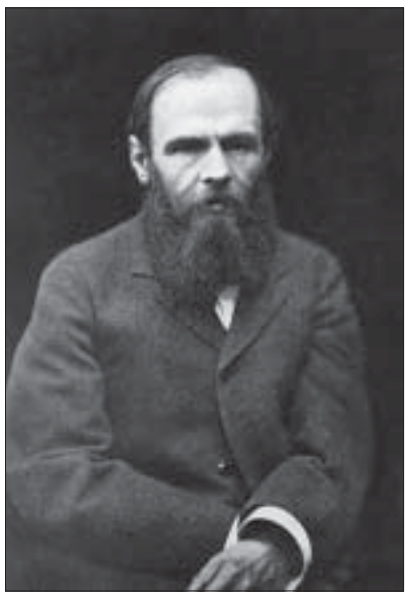

نویسنده در انتقال آرمان ذهنی خود در «ابله» شاهکاری به جا گذاشته است که می‌توان بهترین توصیف از آن را با عنوان «ارائه سیستم فکری منسجم و متمرکز» از ویژگی‌هایی که برشمردیم بیان کرد. فضای غم‌بار و یاس‌آور حاکم بر داستان را باید قطب منفی آن به شمار آورد. فضایی کنشگر که با بی‌رحمی می‌خواهد آدم‌های داستان را به عالمی دیگر که آرزوی پرکشیدن به سوی آن را دارند، سوق دهد و آدم‌ها در برابر این نیروی کنشگر، واکنشی جز رضا و تسلیم ندارند. پرنس میشکین خلق و خویی بسیار متفاوت نسبت به قهرمانان آثار کلاسیک دارد و شاید حتی بتوان در چند و چون «قهرمان» خواندن او شک کرد. دیگر شخصیت‌های «ابله» اگرچه در خلق و خو تا حدود زیادی با پرنس میشکین هم سو هستند اما آنها گاه‌وبی‌گاه از بخت بد خود می‌نالند و به روزگار اعتراض می‌کنند که چرا چنین سرنوشتی برای آنها رقم زده است. در مقابل، پرنس میشکین از هرگونه رخدادی در زندگی‌اش، فارغ از مثبت یا منفی بودن آن در نظرش، استقبال می‌کند و آن را چون قطعه‌ای از کلیت سرنوشت شوم خود پذیرا می‌شود. این پذیرا شدن چون به قول داستایوفسکی ناشی از ابلهی میشکین است پس رنگی از ناخودآگاهی می‌گیرد و تفاوت میشکین با دیگر شخصیت‌های «ابله» در همین ناخودآگاهی و خودآگاهی بودن واکنش‌ها به آلام زندگی خلاصه می‌شود.

«آن نیروهای شگرف غیرشخصی» که در کلام الیوت جاری می‌شود، در دنیای داستانی داستایوفسکی چونان قدرت قاهری ظاهر می‌شود که هر کس آن را نادیده بینگارد و عادی زندگی کند در قطب منفی این دنیای داستانی قرار می‌گیرد و هر کس قدرت قاهر این نیروها را پذیرا شود و بیشتر در مردابی که پدید می‌آورد، فرو رود، همدردی و پشتیبانی خالق این دنیای داستانی را به همراه دارد. داستایوفسکی در انتقال فضای ذهنی خود در رمان «ابله»، بیش از تجربه‌های دیگرش موفق عمل کرده است. اما اگر بخواهیم دلایل شکل‌گیری چنین ذهنیتی را در داستایوفسکی جست‌وجو کنیم باید به دوران تبعید او و شکنجه‌های روحی و جسمی که پذیرا شده است بازگردیم که این، خود، نوشتاری جداگانه می‌طلبد.

معرفی کتاب

تازه‌های نشر قطره

شرق: «انسان و امیال» عنوان نمایشنامه‌ای است از میخائیل یوری یویچ لرمانتف که به شاعر عصیانگر ادبیات روسیه معروف است. تراژدی «انسان و امیال» تا حد زیادی درباره زندگی شخصی این نویسنده است و منتقدان کلید درک شخصیت این نویسنده و آثار او را همین اثر می‌دانند. قهرمان اصلی داستان نیز با نام یوری وولین شخصیتی نزدیک به شخصیت لرمانتف دارد. زمینه حوادث و موضوع نمایشنامه هم بر مبنای واقعیات زندگی خانواده و اطرافیانش شکل گرفته است. لرمانتف در این نمایشنامه ریشه همه بدبختی‌های انسان را علاقه شدید به مادیات می‌داند که نهایتاً منجر به اختلالات روحی و روانی و او می‌شود. ظاهراً مسئله مادیات و زندگی خانوادگی خود لرمانتف باعث بروز اختلافات شدید میان مادربزرگ اشرافی و پدرش شده که افسر ساده‌ای بوده. این نمایشنامه را مرضیه یحیی‌پور، جان‌الله کریمی مطر و فرنگیس اشرفی از زبان روسی ترجمه کرده‌اند.

نشر قطره نمایشنامه‌ای هم از اوژن یونسکو چاپ کرده با عنوان کرگدن که پری صابری آن را ترجمه کرده است. یونسکو معتقد است که وسوسه‌های متناقضی او را به نوشتن وامی‌دارد. میل به قدرت، نفرت، میل به بخشوده شدن، عشق، دلهره، دلتنگی، سرگشتگی، اعتماد به نفس، عدم اعتماد به نفس، نیاز وافر به آگاهی، نیاز وافر به آگاهی دادن، تواضع و تفریح. با این همه یونسکو معتقد است: «مسلماً نوشتن نمایشنامه کار بسیار دشواری است. باید جان کند. باید قلم به دست گرفت که بسیار سنگین است...» یونسکو در سال ۱۹۵۰ با نمایشنامه «آوازه‌خوان کچل» در تئاتر پاریس معرفی شد. محتوا و فرم این نمایشنامه در آن زمان آنقدر شگفت و دور از ذهن منتقد و تماشاگر بود که همه غافلگیر شدند. یونسکو می‌گوید که تحت‌تاثیر کافکا است و «مسخ» این نویسنده او را دگرگون کرده است. او می‌گوید: «نویسندگان کاملاً متفاوت دیگری نیز در شخصیت من اثر گذاشته‌اند. از جمله داستایوفسکی و پروست که آنچه را که من حس کردم و نمی‌توانستم بیان کنم بیان کرده بود...» اوژن یونسکو در رومانی به دنیا آمده و در فرانسه بزرگ شده است. این نمایشنامه را پیش از این جلال آل‌احمد و مدیا کاشیگر به فارسی ترجمه کرده‌اند.

«دفتر خاطرات» نام رمانی است از نیکلاس اسپارکس که ناهید کبیری آن را ترجمه کرده است. اسپارکس آمریکایی است و رمان‌اش مدت‌ها در صدر فهرست پرفروش‌ترین‌های نیویورک تایمز بوده است. او رمان را شش ماه می‌نویسد، ناشر برای آن یک میلیون دلار با او قرارداد می‌بندد و سرآغاز راهی می‌شود که شهرت و موفقیت را برایش به ارمغان می‌آورد. کتابش به عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب می‌شود، حق ترجمه و چاپ کتابش را به ۳۵ زبان می‌فروشد و کمپانی نیولاین سینما هم تصمیم می‌گیرد از روی آن فیلمی بسازد. بعد از این رمان «پیام داخل بطری» را نوشت که این رمان هم همان موفقیت قبلی را برایش تکرار کرد. اسپارکس دفتر خاطرات را تحت تاثیر رابطه پدربزرگ و مادربزرگ همسرش نوشته. می‌گوید، زمانی که با آنها آشنا شدم، بیش از شصت سال از ازدواج‌شان می‌گذشت، اما هم‌چنان عاشق هم بودند.

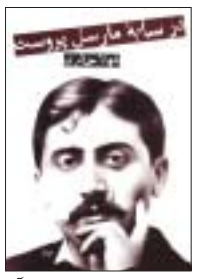

مارسل پروست بدون شک یکی از مهم‌ترین چهره‌های ادبی فرانسه و جهان است. شاید به همین دلیل هم هست که شهلا حائری سراغ این نویسنده رفته و کتابی نوشته با نام «در سایه مارسل پروست». حائری در این کتاب به مضامین آثار و نظریه‌های این نویسنده پرداخته که از نظر نگارنده در جهان تحولی به وجود آورده است. کتاب از هفت فصل تشکیل شده است. در این هفت فصل حائری از دیدگاه‌های مختلف رمان عظیم «در جست و جوی زمان از دست‌رفته» را بررسی کرده. سبک و ساختمان رمان، زمان، شخصیت‌های رمان، من اجتماعی و من حقیقی، هنر، عشق و دلدادگی، بازتاب هزار و یک شب در رمان عناوین این فصل‌ها هستند. زندگینامه کوتاهی از پروست و کتاب‌شناسی و عکس‌های این نویسنده هم ضمیمه کتاب است. حائری در بخشی از کتاب نوشته است: «با اینکه پروست به شیوه خود تمام مسائل فلسفی دوران خود را از هنر و آفرینش ادبی گرفته تا زمان و حافظه در این رمان مطرح کرده است، جست‌وجو رمانی فلسفی نیست و هم‌چنان رمانی خالص باقی می‌ماند که به عرصه ادبیات تعلق دارد.» پروست را بنیانگذار رمان‌نویسی مدرن می‌دانند؛ چون مفاهیم و قالب‌های سنتی پیشین را در هم ریخته و طرحی نو درانداخته است. پروست در جایی گفته است: «رمان من شاید کتابی به وسعت هزار و یک شب خواهد بود. ولی به گونه‌ای دیگر. بی‌شک هنگامی که کسی شیفته اثری است مایل است اثری کاملاً نظیر آن بیافریند.»